

Research Paper

Designing a paradigmatic model of pathology of schools in border areas in Khuzestan province

Hoshang Portavasoli¹, Gholamhossein Barkat^{2*}, Franak Omidian³

1. PhD. student, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. Associate Professor, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran.

Received: 2023/02/03

Accepted: 2023/07/20

PP:32-47

Use your device to scan and read the article online



DOI:

10.30495/JEDU.2024.31548.6330

Keywords:

Pathology, paradigmatic model, border schools, Khuzestan province.

Abstract

Introduction: The current research was conducted with the aim of designing a paradigm model of pathology of schools in border areas in Khuzestan province.

research methodology: In this research, quantitative and qualitative methods have been used to collect information and control variables. Also, to design the paradigm model of the research, the qualitative method has been used. The number of the statistical population in the qualitative part of the research was 15 managers, assistants, and teachers in the border regions of Khuzestan province. According to the nature of the research, the purposeful sampling method, and the network of experts (snowball) have been used. The sample volume was in the qualitative stage according to the saturation level. The research tool in the aforementioned (qualitative) part was a semi-structured interview with a panel of experts. In the quantitative part, descriptive-analytical method has been used to test the research model. The statistical population included all the teachers in the border areas of Khuzestan province, which according to the latest statistics, their number was 1671. To determine the sample size, Cochran's sampling formula and random sampling method proportional to the size of the population were used.

Findings: In addition, to collect data in the quantitative phase, a questionnaire was made by the researcher and path analysis was used to analyze the information. In the paradigmatic model, the findings included causal factors: (human resource management, professional qualifications), contextual (culture, values, and attitudes) and intervening (organizational justice), and in addition to this, the paradigmatic model was also evaluated by means of path analysis.

Conclusion: The result of which showed that the mentioned factors influence the effectiveness of schools in the border areas of Khuzestan province.

Citation: Portavasoli Hoshang, Barkat Gholamhossein, Omidian Franak(2024). Designing a paradigmatic model of pathology of schools in border areas in Khuzestan province. Journal of New Approaches in Educational Administration; 15(4):32-47

Corresponding author: Gholamhossein Barkat

Address: Associate Professor, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Tell: 09166230673

Email: v_data@yahoo.com

Extended Abstract

Introduction:

The geographical location of human life is one of the determining factors for economic, social, cultural, and educational damage. In fact, these inequalities all originate from where each person lives. Considering that usually the residents of border areas are far from the center of attention, plans and policies of the government in the process of designing development patterns, therefore, this leads to damage and reduction in the levels of social, economic, and cultural development.

Context:

It is especially reducing the development of the educational system and students.

Goal:

The aim of the current research is to design a paradigm model of pathology of schools in border areas in Khuzestan province.

Method:

In this research, quantitative and qualitative methods have been used to collect information and control variables. Also, to design the paradigm model of the research, the qualitative method has been used. The number of the statistical population in the qualitative part of the research was 15 managers, assistants, and teachers in the border regions of Khuzestan province. According to the nature of the research, the purposeful sampling method, and the network of experts (snowball) have been used. The sample volume was in the qualitative stage according to the

saturation level. The research tool in the aforementioned (qualitative) part was a semi-structured interview with a panel of experts. In the quantitative part, descriptive-analytical method has been used to test the research model. The statistical population included all the teachers in the border areas of Khuzestan province, which according to the latest statistics, their number was 1671. To determine the sample size, Cochran's sampling formula and random sampling method proportional to the size of the population were used.

Findings:

In addition, to collect data in the quantitative phase, a questionnaire was made by the researcher and path analysis was used to analyze the information. In the paradigmatic model, the findings included causal factors: (human resource management, professional qualifications), contextual (culture, values, and attitudes) and intervening (organizational justice), and in addition to this, the paradigmatic model was also evaluated by means of path analysis.

Results:

The result of which showed that the mentioned factors influence the effectiveness of schools in the border areas of Khuzestan province.

مقاله پژوهشی

طراحی مدل پارادایمی آسیب‌شناسی مدارس مناطق مرزی در استان خوزستان

هوشنگ پورتوسلی^۱، غلامحسین برکت^{۲*}، فرانک امیدیان^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۳. استادیار گروه علوم تربیتی واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

چکیده

مقدمه و هدف: پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل پارادایمی آسیب‌شناسی مدارس مناطق مرزی در استان خوزستان انجام شده است.

روش شناسی پژوهش: در این پژوهش از روش کمی و کیفی جهت جمع‌آوری اطلاعات و کنترل متغیرها استفاده شده است. همچنین به‌منظور طراحی مدل پارادایمی پژوهش از روش کیفی استفاده شده است. تعداد جامعه آماری پژوهش در قسمت کیفی ۱۵ نفر از مدیران، معاونان و آموزگاران مناطق مرزی استان خوزستان بوده است. با توجه به ماهیت پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند و شبکه متخصصان (گلوله برفی) استفاده شده است. حجم نمونه در مرحله کیفی با توجه به سطح اشباع بوده است. ابزار پژوهش در بخش مذکور (کیفی) مصاحبه نیمه‌ساختمند با پانل متخصصان بوده است. در قسمت کمی جهت آزمون مدل پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. جامعه آماری در بخش کمی شامل کلیه آموزگاران مناطق مرزی استان خوزستان بود که بر اساس آخرین آمار تعداد آن‌ها ۱۶۷۱ نفر بوده است. به‌منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم جامعه استفاده شده است. علاوه بر این به‌منظور گردآوری داده‌ها در فاز کمی از پرسشنامه محقق ساخته و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل مسیر استفاده شده است.

یافته‌ها: در مدل پارادایمی یافته‌ها شامل عوامل علی: (مدیریت منابع انسانی، صلاحیت‌های حرفه‌ای) زمینه‌ای (فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها) و مداخله‌گر (عدالت سازمانی)، بود.

بحث و نتیجه‌گیری: مدل پارادایمی به وسیله تحلیل مسیر نیز ارزیابی شد که نتیجه آن نشان داده که عوامل مذکور بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان تأثیرگذار هستند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

شماره صفحات: ۴۷-۳۲

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن
مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/JEDU.2024.31548.6330

واژه‌های کلیدی:

آسیب‌شناسی، مدل پارادایمی، مدارس مرزی، استان خوزستان

استناد: پورتوسلی هوشنگ، برکت غلامحسین، امیدیان فرانک (۱۴۰۳) طراحی مدل پارادایمی آسیب‌شناسی مدارس مناطق مرزی در استان خوزستان. دوماهنامه

علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱۵ (۴): ۳۲-۴۷

* نویسنده مسؤول: غلامحسین برکت

نشانی: دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

تلفن: ۰۹۱۶۶۲۳۰۶۷۳

پست الکترونیکی: v_data@yahoo.com

مقدمه

مکان جغرافیایی زندگی انسان‌ها از جمله مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ای جهت بروز آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌باشد (Rasouli Ghezalbash, 2022). در واقع این نابرابری‌ها همه نشأت گرفته از محل زندگی هر فرد می‌باشد. با توجه به اینکه به‌طور معمول ساکنین مناطق مرزی در فرآیند طراحی الگوهای توسعه یافتگی از کانون توجه، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت دور هستند لذا، همین امر منجر به آسیب و کاهش سطوح توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه کاهش توسعه یافتگی سیستم آموزشی و دانش‌آموزان می‌شود (Todaro, 2014). به دلیل پاره‌ای از بی‌توجهی‌ها به مناطق مذکور همیشه مسئله توسعه این مناطق دچار مشکل بوده است، در نتیجه همین امر باعث بروز آسیب‌های بالقوه‌ای همچون عدم اشتغال، پایین بودن سطح درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه در این مناطق استراتژیک شده است (Guzmán, Barragán, Vitery, 2021). علاوه بر این‌ها زمینه مساعدی را برای بروز آسیب‌هایی نظیر مهاجرت، شورش، ناامنی، قاچاق کالا و غیره را به وجود آورده است (Yashar, Pashalu, 2015). سیستم آموزشی مناطق مرزی به دلیل عوامل جغرافیایی - اقلیمی و نگرش خاص ساکنین این مناطق درگیر آسیب‌های جدی چون، عقب ماندگی، افت تحصیلی، تقلیل دانش‌آموزان پسر به دلایل معیشتی و کاهش تعداد دانش‌آموزان دختر به دلیل ازدواج‌های زودهنگام و تبعیض جنسیتی می‌باشد (King, 1986). در این راستا کشور ایران با برخورداری از ۸۷۳۱ کیلومتر از انواع مرزهای آبی، کوهستانی و بیابانی در زمره کشورهایی با مرزهای طولانی در جهان می‌باشد. علاوه بر این کشور ما از منظر تنوع مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و آموزشی به علت همجواری با همسایگان خود در جهان کشوری شناخته شده می‌باشد علاوه بر این میزان گستردگی مناطق مرزی کشور و تنوع جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی و قومی این مشکلات را دو چندان کرده است (شریفی، گونای و یلمه (۱۴۰۱). در این میان مرز ایران و عراق یکی از بحرانی‌ترین مرزهای دنیا محسوب می‌شود و از گذشته‌های دور تاکنون موضوع تحدید حدود مرزهای مشترک ایران و عثمانی و بعدها دولت عراق مورد مناقشه میان این دو کشور بوده است (Andalib & Motavvaf, 2005). این موضوع در ادوار مختلف تاریخ و طی قراردادهای متعدد و اغلب با دخالت و حضور کشورهای واسطه همچون انگلیس و روسیه مورد بررسی قرار گرفته است (Jalilian, 2014). در طی جنگ خانمان برانداز ایران و عراق به دلیل منازعات، کشمکش‌ها و وجود چالش‌های سیاسی در مناطق مرزی امنیت روحی، جانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی ساکنین این مناطق دچار خلل و تزلزل شده که جبران بسیاری از آن‌ها عملاً میسر نبوده است و هنوز که هنوز است آثار مخرب این جنگ نابرابر در شهرهای مرزی دیده می‌شود. با بررسی و مطالعه زیر ساخت‌های مناطق مرزی به ویژه زیرساخت‌های آموزشی می‌توان دریافت که سیستم آموزشی این مناطق مذکور در کلیه شاخص‌های آموزشی از وضعیت نامطلوبی برخوردار است و شهرهای مرزی کشور نسبت به شهرهای مرکزی از امکانات کمتری برخوردار می‌باشند به عبارت دیگر به دلیل اینکه کنترل ویژگی‌های کمی و کیفی مکان زندگی و جغرافیای زیستی افراد به هیچ عنوان به دست خود افراد نمی‌باشند لذا، دریافت فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به تبع آن آموزشی مقهور عوامل جغرافیایی و کاستی‌های محل زندگی افراد می‌باشد که ساکنین چنین مناطقی را همیشه درگیر نابرابری‌هایی کرده است که زائیده شرایط ویژه جغرافیایی محل زندگی شان و البته اهمال سیاست‌گذاران می‌باشد (Maroufi, 2001). به همین دلیل دانش‌آموزان مناطق مرزی نسبت به مناطق شهری از فرصت‌های آموزشی یکسان بهره‌مند نمی‌باشند (Sorkh, 2008) لازم به ذکر است که این بی‌عدالتی‌های آموزشی در شهرهای جنوبی به نحو چشم‌گیری بیش از سایر شهرهای کشور مشهود و محرز می‌باشد (Heidarzadegan, & Sandooghhdaran, 2017). اساساً مدرسه به عنوان یک ساختار اجتماعی، برای آموزش، محیطی را فراهم می‌کند که کودک در آن سال‌های حساس زندگی خود را سپری می‌کند (Diba Vajari, Khamis Abadi & Dehghan Dar, 2022).

با توجه به ضرورت انجام پژوهش و براساس مستندات موجود به نظر می‌رسد که مناطق مرزی استان خوزستان در فرآیند طراحی الگوهای توسعه یافتگی از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت به دور می‌باشند و همین مسأله منجر به ایجاد کاهش سطوح توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه سطح آموزشی مناطق مذکور شده است. لازم به ذکر است که این ضرورت لزوماً به توزیع منابع، به کارگماری نیروی انسانی و تهیه مواد آموزشی ختم نمی‌شود، بلکه موضوعی که به نوعی بیشتر حائز اهمیت است کیفیت، تعادل و هماهنگی بین مجموعه پیچیده‌ای از عوامل درونی، فرآیندی و بیرونی نظام آموزشی مدارس مناطق مرزی برای بهبود وضعیت موجود و خلق شرایط مطلوب است. مرور پیشینه‌های تحقیق نشان می‌دهد که در استان خوزستان پیرامون مدارس مناطق مرزی پژوهش‌های چندانی انجام نشده است و بررسی و پژوهش در این راستا بسیار اندک و آن هم به صورت ارزیابی از سیستم آموزشی و مدارس مناطق مذکور بوده است. لذا بررسی و پژوهشی در خصوص آسیب شناسی مدارس مناطق مرزی علی‌الخصوص طراحی مدل پارادایمی آن صورت نگرفته است. در نتیجه به منظور شناسایی مقوله‌های آسیب‌زای مدارس مناطق مرزی پژوهش‌های زیر بررسی می‌شوند:

طی پژوهشی که توسط، (Heidarzadegan & Sandooghhdaran, 2017) با بررسی فرصت‌های آموزشی در جامعه آماری دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان دریافتند که سیستم آموزشی منطقه مذکور در کلیه شاخص‌های آموزشی از وضعیت نامطلوبی برخوردار

است. در پژوهشی که توسط دربان آستانه و همکاران (Darban Astaneh, Tahmasbi & Rezaei, 2016) انجام شده است مشخص شده است که شهرهای مرزی کشور نسبت به شهرهای مرکزی از امکانات کمتری برخوردار می‌باشند و به لحاظ توزیع امکانات آموزشی در نابرابری آموزشی به سر می‌برند. لازم به ذکر است که این بی عدالتی آموزشی در شهرهای جنوبی به نحوه چشمگیری بیشتر از سایر شهرهای کشور دیده می‌شود. در پژوهشی که توسط (Shirkarmi, J. Bakhtiarpour, 2015)، با عنوان ارزشیابی پیرامون نابرابری ها و فرصت‌های آموزشی انجام دادند، نتایج نشان داده است در شهرهای مرزی به لحاظ جنسیتی و همچنین به لحاظ فرصت‌های آموزشی نابرابری‌های چشمگیری وجود دارد. در خصوص افت تحصیلی مناطق مرزی (Shekahi, 2012) اعلام داشته است که عوامل جغرافیایی که پراکندگی، افتراق و باز ساخت مکانی- فضایی پدیده ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی- اقتصادی نشان می‌دهد نیز عاملی جهت بازدارندگی و افت تحصیلی دانش‌آموزان این مناطق می‌باشد. بر اساس تحقیقات (Vakili Qasrian, 2012) اظهار داشته است که کلاس‌های چندپایه، عدم امکانات و فضای آموزشی، منطبق نبودن برنامه درسی، پایین بودن آمادگی تحصیلی فراگیران، احساس خودکارآمدی پایین در آموزگاران، نامطلوب بودن فضای فیزیکی، مسئله تردد و دوری آموزشگاه‌ها، مشکلات فرهنگی، عدم تمایل آموزگاران به خدمت در مناطق مرزی، گزینش نامناسب معلمان، نبودن آموزش پیش از خدمت و ضمن خدمت، نامناسب بودن برنامه نظارت - راهنمایی و نیز ساختار فرسوده نامناسب مدارس از عواملی هستند که منجر به بازماندگی تحصیلی دانش‌آموزان مناطق مرزی شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش رسول نیا (Rasul Nia, 2010) به کارگیری معلمان غیر همجنس با دانش‌آموزان در پایه ابتدایی، نبودن مکان اسکان مناسب در مدرسه، سطح معیشتی خانواده‌ها، سطح پایین سواد پدر و مادر از عوامل مهم عقب ماندگی تحصیلی در مناطق مرزی می‌باشند. در پژوهش (Sorkh, 2008) یافته حاکی از آن است که دانش‌آموزان مناطق مرزی استان آذربایجان غربی نسبت به مناطق شهری از فرصت‌های آموزشی یکسان بهره‌مند نمی‌باشند. طی پژوهشی که (Maroufi, 2001) در استان کردستان پیرامون برابری و عدالت آموزشی انجام داده است وی با انجام این پژوهش دریافت که مناطق شهری استان کردستان نسبت به شهرهای مرزی و مناطق روستایی دارای امکانات و تجهیزات آموزشی بیشتری می‌باشند. به‌طوری که این نابرابری ها پیرامون فاکتورهایی چون جنسیت، پوشش تحصیلی، توزیع آموزگاران به لحاظ سطح مدرک تحصیلی، منابع آموزشی، منابع کالبدی می‌باشد. در پژوهشی (Sharepour, 2005) چنین گزارش داده است که عوامل خانوادگی نیز از دیگر مشکلات مدارس مناطق مرزی هستند که چالشی مبنایی و ریشه در سیستم آموزشی این مناطق به وجود آورده است. مسائلی چون ترکیب و اندازه خانواده، تحصیلات والدین و دیدگاه‌های آنان نسبت به ادامه تحصیل فرزندان دختر از جمله مواردی است که در زمره عوامل خانوادگی جای دارند. همچنین، رتبه بندی پایگاه اجتماعی و به تبع آن دسترسی به فرصت‌های آموزشی مطلوب از مواردی چون درآمد خانوادگی، تسهیلات، محل سکونت و شغل والدین تأثیر می‌پذیرد.

در پژوهش‌های خارجی نیز برخی از مقوله‌های آسیب‌زای مدارس مناطق مرزی و محروم به چشم می‌خورد به طوری که (Hannum, 2002) در خصوص دسترسی به فرصت‌های آموزشی بیان داشته است فراهم آوردن شرایط آموزشی برای خانواده‌های فقیر عاملی برای کاهش نابرابری‌های جنسیتی می‌باشد. طی انجام مطالعاتی پیرامون فاکتورهای موثر در نابرابری‌های آموزشی (Opheim, 2004) دریافت شده است که جنسیت و نابرابری‌های منطقه‌ای از فاکتورهای حائز اهمیت در نابرابری پیرامون فرصت‌های آموزشی می‌باشند. همچنین فراهم کردن موقعیت‌های یکسان برای کسب فرصت‌های آموزشی از جهات مختلفی به خصوص از جهات سیاسی اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت است. همچنین کارنیور (۲۰۰۶) اذعان داشته است که ۹۰ درصد از والدین دانش‌آموزان کشور پرتغال که دارای تحصیلات ابتدایی هستند کودکانشان دچار افت تحصیلی می‌باشند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مستقر در فرانسه (OECD, 2012) با انجام پژوهی در خصوص برابری و کیفیت آموزش در مناطق محروم با هدف حمایت از دانش‌آموزان محروم و مدارس مناطق محروم دریافتند که از جمله عواملی که منجر به شکست و عقب ماندگی تحصیلی می‌شود شامل: پایین بودن درآمد پایه در خانواده، خطرات بیکاری، جنبه‌های مدنی و دموکراتیک مناطق مرزی بوده است. با در نظر داشتن اینکه شکست در تحصیلات منجر به افت تحصیلی می‌شود و هزینه‌های زیادی را بر بودجه عمومی جامعه تحمیل می‌کند و افراد با سواد کم ظرفیت‌های اقتصادی برای تولید، رشد و نوآوری را محدود می‌کنند، OECD گزارش می‌دهد که شواهد حاکی از آن است که جهت ارتقای کیفیت آموزش و کاهش افت تحصیلی راهبرد ایجاد عدالت در همه برنامه ها و سیاست آموزشی منجر به ارتقاء کیفیت آموزشی می‌شود. سرمایه گذاری جهت رسیدن به کیفیت مطلوب و نیز خلق فرصت‌های برابر آموزشی برای همه منجر به ایجاد رفاه اجتماعی، سلامت عمومی، حمایت اجتماعی، کاهش جرم- جنایت و سودآوری در سیاست آموزشی می‌شود. طی پژوهشی (Bar Haim, 2013) Shavit با روش پیمایشی در اروپا به بررسی ویژه‌ای پیرامون نابرابری آموزشی در ۲۴ کشور از قاره مذکور پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که علیرغم وجود توسعه آموزشی در اروپا ولی همچنان کشورهای این قاره دچار نابرابری‌های آموزشی می‌باشند. بر اساس پژوهشی پیرامون بررسی نابرابری‌های آموزشی در سیستم آموزشی کشور هند (Agrawal, 2014) به این نتیجه دست یافته است که کشور مذکور در طی سال‌های ۲۰۰۴ - ۱۹۸۳ دچار نابرابری‌های آموزشی بوده است. همچنین (UNICEF, 2014) حکایت از وجود

نابرابری‌های آموزشی بسیاری در مناطق حاشیه‌ای و مرزی دارد. به‌طوری که دختران بسیار زیادی در مناطق حاشیه‌ای و مرزی به دلیل فقر، عدم آگاهی خانواده‌ها از ارزش تحصیل، ناهنجاری‌های اجتماعی، ازدواج زودهنگام و دیدگاه‌های جنسیتی از تحصیل باز می‌مانند. بر اساس پژوهشی (Asare, Siaw, 2015) به مقایسه نابرابری آموزشی در دبیرستان‌های شهری و روستای کوماسی (غنا) پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کیفی - کمی با انجام مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه به بررسی عوامل حیاتی موثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که روستاها و مناطق حومه شهر نسبت به مراکز آموزشی در سطح شهر عملکرد پایین‌تری دارند و مدارس شهری بهتر از مدارس حومه شهر عمل می‌کنند به دلیل اینکه آن‌ها دارای معلمانی با صلاحیت‌های حرفه‌ای شایسته‌تر، زیرساخت‌های مطلوب تر و فارغ‌التحصیلانی با نمرات عالی می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که پر کردن شکاف عدالت آموزشی بین روستا و شهر در منابع آموزشی می‌تواند کیفیت آموزش و یادگیری را ارتقا دهد و در نتیجه افزایش پیشرفت تحصیلی برای دانش‌آموزان در غنا را به همراه داشته باشد.

پژوهشی پیرامون ارزیابی مدارس شبانه روزی و تحلیل خط مشی، پیچیدگی و تکنیک‌های آن‌ها با استفاده از یک نظریه محوری در خصوص حرکت به سمت تغییر - تولید مطلوب و پیامدهای نامطلوب برای دانش‌آموزان مدارس شبانه روزی در استرالیا توسط (Guenther, et al., 2020) انجام شد، آن‌ها دریافتند که ایجاد مدارس شبانه روزی با سرمایه‌گذاری‌های عمومی یک راهبرد مطلوب در راستای ارتقاء کیفیت مدارس مناطق مرزی (دورافتاده) می‌باشد. همچنین اعطای بورسیه تحصیلی، تسهیلات مسکونی و جذب سرمایه‌گذاری‌ها از دیگر راهبردهای توسعه کیفیت در مدارس مناطق دور می‌باشد. همچنین (Ajjawi, et al., 2020) پژوهشی پیرامون عوامل دخیل در شکست تحصیلی دانشجویان انجام داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه جامع استرالیا (مرکز تحقیقات و ارزیابی یادگیری دیجیتال (کراذل)، دانشگاه دیکین، ملبورن استرالیا) بوده است. پژوهشگران اذعان داشته‌اند که ما داده‌های به دست آمده را به طور گسترده مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم و پی بردیم که سهم عوامل ایجاد و تشدید کننده شکست تحصیلی یکسان و ثابت نیست، افت تحصیلی مرکب از عوامل مختلفی می‌باشد که به شدت محصلان را آسیب‌پذیر می‌سازد. شکست تحصیلی به علت ترکیب عوامل موقعیتی، زمینه‌ای، نهادی و تعامل محصلان با محیط اجتماعی فرهنگی آن‌ها به وجود می‌آید. و منجر به بروز احساسات منفی در محصلان می‌شود. طبق پژوهش، (Hampton, et al., 2020) درخصوص عدم پهنای باند اینترنت در شهر و روستا و نقش آن در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایالات میشیگان به پژوهش پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی شهری با دسترسی به اینترنت پرسرعت در خانه دارای مهارت‌های دیجیتالی بیشتر، نمرات بالاتر، و در تست‌های استاندارد مانند SAT بهتر عمل می‌کنند. دانش‌آموزان روستایی که دسترسی به تلفن همراه و اینترنت ندارند همواره عملکرد پایین‌تری دارند و کمتر به کالج یا دانشگاه می‌روند و به علاوه این دانش‌آموزان در مهارت‌های دیجیتالی نمرات مطلوبی کسب نمی‌کنند که همین امر منجر به کاهش علاقه دانش‌آموزان به مشاغل چون علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات می‌شود. طی پژوهشی (Guzmán, Barragán, Vitery, 2021)، به بررسی سیستماتیک علل پدیده افت تحصیلی در بین دانشجویان مناطق محروم دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه آستوریاس بوگوتا، کلمبیا پرداخته‌اند. هدف مقاله حاضر شناسایی عوامل دخیل در ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز خصوصیات و ویژگی‌های نهادی که دانش‌آموز - دانشجویان در آن تحصیل می‌کنند مانند: دولتی، خصوصی، مجهز و غیر مجهز در پدیده افت تحصیلی موثر می‌باشد. پژوهشگران در نتایج یاد آور شده‌اند که: یافته‌های مطالعات در این خصوص به دلیل عدم تقارن ویژگی‌های اجتماعی جوامع قابل تعمیم به دیگر جوامع نمی‌باشد. همچنین (Salamon, 2020) باحمایت مرکز تحقیقات سلامت جمعیت بوردو دانشگاه بوردو، فرانسه به انجام یک مطالعه آینده نگر ۱۰ ساله پیرامون دشواری تحصیلی و نقش آن در ادامه تحصیل و اشتغال پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که: نقش خانواده در بروز دشواری‌ها و مشکلات تحصیلی بسیار حائز اهمیت است و علاوه بر این نتایج ارزیابی و پیگیری‌های تحصیلی نشان داده است بروز زود هنگام مشکلات تحصیلی باعث می‌شود که درآینده دانش‌آموزان احتمال کمتری برای ادامه تحصیلات عالی داشته باشند و با احتمال بیشتری همراه است که به اشتغال پاره وقت با حداقل دستمزد راضی شوند. در خصوص ضعف اینترنت به‌عنوان یکی از چالش‌های بزرگ در آموزش مناطق روستایی و محروم (Bauer, Brooks & Hampton, 2020) به انجام پژوهشی پرداخته‌اند. این پژوهش با مشارکت شبکه Merit و در مدراس ۱۵ ناحیه از ایالات میشیگان انجام شده است (شهرستان مکوستا، شهرستان سنت لویس را پوشش می‌دهد. شهرستان کلر و منطقه شرقی شبه جزیره علیا، که از ناحیه تاکوامون تا شهرستان سنت کلر را در بر می‌گیرد) محققان مجموعه داده‌ها در مورد دسترسی به اینترنت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل کرده‌اند. نتایج پژوهش مذکور نشان داده است که سرعت اتصال ضعیف به اینترنت در مناطق روستایی منجر به شکاف‌های عملکردی عمیق در بین دانش‌آموزان شهری و روستایی شده است

که همین امر نقش عمده ایی در افت تحصیلی دانش‌آموزان داشته است. علاوه بر این نتایج نشان داد که محروم ترین دانش‌آموزان در این پژوهش یعنی همان‌هایی که به اینترنت دسترسی نداشته‌اند به لحاظ اقتصادی-اجتماعی هم جزء پایین ترین دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. بر اساس پژوهشی که (Rajan, 2019) زیر نظر مؤسسه آموزش عالی کارپاک کام تنی تامیل نادو هندوستان به تحلیل مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان روستایی و محروم پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داده است که افت تحصیلی و مشکلات تحصیلی همواره وجود دارند و به لحاظ جنسیتی هر دو دچار آسیب دیدگی تحصیلی می‌شوند. نتایج در پژوهش مذکور نشان می‌دهد مشکلات تحصیلی پیش‌روی دانش‌آموزان در متغیر جنسیت دارای رابطه معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین دانش‌آموزان روستایی که به زبان انگلیسی مسلط بودند نمرات بهتر و عملکرد آموزشی مطلوب‌تری داشته‌اند. همچنین فرضیه تحقیق در خصوص تاثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان بر عملکرد تحصیلی پذیرفته می‌شود و نشان دهنده تفاوت معنی‌داری در میانگین نمرات دانش‌آموزان با وضعیت اجتماعی-اقتصادی مطلوب و دانش‌آموزان با وضعیت نامطلوب می‌باشد. همچنین (Cheng, Wang & Liu, 2019) به بررسی عوامل مرتبط با تحصیل دانش‌آموزان مناطق روستایی پرداخته‌اند. مطالعه مذکور در یک مدرسه ابتدایی در روستای تایوان با روش مصاحبه انجام شده است و یافته‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ افت تحصیلی بین دانش‌آموزان محروم و برخوردار تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. به طوری که عواملی چون: پیشینه و جنبه‌های خانوادگی، سطح تحصیلی والدین، میزان سن والدین در پیشرفت و یا عدم پیشرفت تحصیلی بسیار موثر است.

از این‌رو با توجه به اینکه بیش از چهار دهه از جنگ میان ایران و عراق می‌گذرد و نیز با وجود تلاش سیاستمداران، دولت مردان و مسئولین سیستم آموزشی مناطق مرزی به‌منظور تقلیل آسیب‌های ناشی از جنگ تحمیلی و البته شرایط اقلیمی-جغرافیایی مناطق مرزی، همچنان مسئله آموزش این مناطق دچار آسیب و خلل‌های جدی می‌باشد. لذا با دقت و بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش و البته شواهد موجود، مسئله پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان و طراحی مدل پارادایمی آن می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی بوده است و از روش کمی و کیفی جهت جمع‌آوری اطلاعات و کنترل متغیرها استفاده شده است. به منظور طراحی مدل پارادایمی پژوهش از روش کیفی استفاده شده است از مصاحبه نیمه ساختمند با پانل متخصصان استفاده شده است. قبل از شروع مصاحبه، خلاصه‌ای از طرح پژوهش، نتایج بررسی پیشینه پژوهش، به همراه اهداف و سؤالات پژوهش جهت مطالعه و آمادگی اولیه برای مصاحبه‌شوندگان از طریق ایمیل ارسال شده و در ابتدای جلسه مصاحبه نیز در مورد کارهای انجام شده به طور مختصر توضیح داده می‌شد. سپس نسبت به طرح سؤالات مصاحبه و انجام فرآیند مصاحبه اقدام شد. به منظور ثبت داده‌های کیفی و تمرکز بیشتر مصاحبه‌کننده بر فرآیند مصاحبه و با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان، تقریباً تمام مصاحبه‌ها ضبط شد و همچنین از نکات کلیدی هر مصاحبه یادداشت برداری می‌شد. تعداد جامعه آماری پژوهش ۱۴ نفر از مدیران، معاونان و آموزگاران مناطق مرزی استان خوزستان بوده است. با توجه به ماهیت پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند و شبکه متخصصان استفاده شده است. حجم نمونه در مرحله کیفی با توجه به سطح اشباع بوده است به منظور آزمون مدل پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد و همین‌طور برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل مسیر استفاده گردید. جامعه آماری بخش کمی، شامل کلیه آموزگاران مناطق مرزی استان خوزستان بود که بر اساس آخرین آمار تعداد آن‌ها ۱۶۷۱ نفر بوده است. در بخش کمی با توجه به گستردگی جامعه مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه استفاده می‌شود. به همین منظور نمونه آماری متناسب با حجم انتخاب می‌شود. به‌منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده گردید. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم استفاده شد. به‌منظور تعیین حجم نمونه نیز از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شد، به‌منظور گردآوری داده‌ها در فاز کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. مبنای ساخت پرسشنامه پژوهش حاضر، آسیب‌های شناسایی شده در مرحله کیفی پژوهش که در الگوی مفهومی ارائه شده است، می‌باشد. در واقع، ساختار اصلی پرسشنامه همان مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های الگوی مفهومی پژوهش می‌باشد. در این راستا، تلاش شد که اکثر گویه‌ها مستقیماً از متن مصاحبه‌ها استخراج شود. همچنین، از متون تخصصی مربوطه و ادبیات پژوهش برای تکمیل پرسشنامه کمک گرفته شد. پرسشنامه پژوهش حاضر با توجه به طیف لیکرت ۵ درجه‌ای طراحی و اجرا شد. منظور از ویژگی‌های فنی ابزار روایی و پایایی پرسشنامه است. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، از روایی محتوا استفاده شد. بدین ترتیب، فرم مقدماتی پرسشنامه با ۵۱ گویه طراحی شد و جهت اصلاح و تکمیل در اختیار تیم پژوهشی قرار گرفت. در ادامه، نسخه اصلاح شده حاصل از بازخورد تیم پژوهش، به سه نفر دیگر از متخصصان ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد نظرات اصلاحی خود را نسبت به میزان تناسب، ارتباط و کفایت گویه‌های پرسشنامه بیان کنند. پس از اخذ نظرات این صاحب‌نظران، اصلاحات لازم با مشورت تیم پژوهش در پرسشنامه به عمل آمد. لذا فرم نهایی ۵۱ گویه‌ای پرسشنامه مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت.

اعتبار یا روایی با این مسئله سروکار دارد که یک ابزار اندازه‌گیری تا چه حد چیزی را اندازه می‌گیرد که برای آن طراحی گردیده است. برای تعیین روایی از روش‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد. در این تحقیق برای تعیین روایی از روایی محتوایی استفاده شد. بدین منظور پرسشنامه در اختیار اساتید راهنما و متخصصین موضوع قرار گرفت و مورد تأیید واقع شد. ویژگی فنی دیگر ابزار، پایایی است. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه پژوهش حاضر از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین منظور، فرم نهایی پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از جامعه آماری اجرا شد و سپس ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم با کمک نرم‌افزار Smart PLS2 و همچنین آمارهای توصیفی با کمک نرم‌افزار SPSS23 استفاده گردید. در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار PLS به بررسی مدل‌های اندازه‌گیری از طریق تحلیل روایی و پایایی و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم پرداخته شده است. نتایج پیرامون سؤال اصلی پژوهش نشان داده است که میزان مطلوبیت مدارس مناطق مرزی استان خوزستان، بیشتر از سطح متوسط می‌باشد و در سؤالات فرعی پژوهش مبنی بر میزان مطلوبیت مدیریت منابع انسانی، صلاحیت‌های حرفه‌ای و شرایط زمینه‌ای در مدارس مناطق مرزی استان خوزستان بیشتر از حد متوسط و متغیر عدالت سازمانی در مدارس مناطق مرزی استان خوزستان، کمتر از حد متوسط بوده است. علاوه بر این نتایج فرضیه‌ها نشان داد که متغیرهای مدیریت منابع انسانی، صلاحیت‌های حرفه‌ای و شرایط زمینه‌ای و عدالت سازمانی با ۹۹٪ اطمینان تأثیر مثبت و معنی‌داری بر بهبود وضعیت موجود مدارس مناطق مرزی استان خوزستان دارد.

سؤالات پژوهش:

سؤال شماره (۱): عوامل علی موثر بر کیفیت مدارس مناطق مرزی استان خوزستان کدام است؟
تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که شاخص‌های سنجش اثر بخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان می‌تواند به دو کد محوری - ۱- مدیریت منابع انسانی - ۲- صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان تقسیم شود که شاخص‌های کد محوری مدیریت منابع انسانی شامل: کمبود نیروی انسانی در مناطق مرزی، حجم زیاد بازنشسته‌ها، بکارگیری سرباز معلم‌ها، عدم اجرای دقیق برنامه جامع و مدون علمی - آموزشی - کمبود بودجه، عدم وجود نیروهای برنامه‌ریز، عدم توانایی عملیاتی سازی برنامه‌های آموزشی توسط نیروها، عدم توانایی نیروها با توجه به شرایط و موقعیت‌های ویژه مناطق مرزی، وجود بناهای بسیار قدیمی، ساخت‌های فرسوده، عدم وجود زیرساخت‌های فیزیکی مستحکم بودند و شاخص‌های کد محوری صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران شامل: تقاضای انتقالی از طرف آموزگاران، تمایل به تدریس در مناطق با امکانات، برخورد از تجربه، علاقه و انگیزه لازم جهت تدریس، وجدان کاری بالا، مهارت‌های موثر و لازم برای مدیریت کلاس، ارائه مشوق‌های لازم جهت فعال نگهداشتن دانش‌آموزان، بالا بودن هوش فرهنگی آموزگاران (آشنایی با دوزبانگی به دلیل مجاورت مناطق مرزی با کشورهای همسایه) بودند.

در این خصوص بخشی از توضیحات خبرگان به شرح ذیل می‌باشد:

مشارکت‌کننده شماره (۱) معتقد بود که:

کمبود امکانات آموزشی، رفاهی و خدماتی در مناطق مرزی بیداد می‌کند. بسیاری از مدارس در این مناطق به صورت خشتی، کپری و استیجاری هستند. امکانات رفاهی واقعاً در سطح پایینی می‌باشد به گونه‌ای که بسیاری از معلمان ترجیح می‌دهند در جای تدریس کنند که امکانات رفاهی بهتری داشته باشد. بسیاری از آموزگاران مناطق مرزی پس از کسب تجربه‌های زیاد متقاضی ترک منطقه هستند. همچنین بسیاری از آموزگاران به دنبال انتقالی جهت منتقل شدن به مدارس مجهزتر و خوش آب و هوا تر می‌باشند.

مشارکت‌کننده شماره (۲) معتقد بودند:

که درخصوص وجود بناهای بسیار قدیمی، ساخت‌های فرسوده و به طور کل عدم وجود زیرساخت‌های فیزیکی مستحکم باید اذعان داشت که اگرچه در طی سال‌های اخیر اقدامات زیادی نظیر نوسازی و احداث ساختمان‌های آموزشی، هوشمند سازی مدارس و رفع کمبودها در سطح استان انجام شده است. اما همچنان این مناطق از نظر کیفی در سطح پایینی قرار دارند. علاوه بر این شرایط اقلیمی و جغرافیایی این مناطق عامل مهمی در افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. لازم به توضیح است که به علت شرایط آب و هوایی و البته کمبود امکانات آموزشی معلمان زبده و حرفه‌ای پس از کسب تجربه‌های علمی و آموزشی متقاضی انتقال به دیگر مناطق کشور می‌شوند در نتیجه همین امر تأثیر زیادی در افت کیفی و آموزشی در سطح استان داشته است. همین شرایط باعث می‌شود که آموزگاران تحت فشار کاری شدید قرار بگیرد و متوسل به تدریس‌های طولانی و بیش از حد مجاز شوند بدیهی می‌باشد که تدریس‌های طولانی از سوی یک معلم علاوه بر خستگی او مشکلات دیگری از جمله عدم جذابیت کلاس درس، نزول کیفیت آموزش و در نهایت افت تحصیلی را در پی داشته است.

مشارکت‌کننده شماره (۳) معتقد بود:

که از جمله مواردی که بر کیفیت آموزش مناطق مرزی اثر گذاشته است؛ کمبودهای موجود در زمینه نیروی انسانی و تجهیزات می‌باشد که همین کمبودها منجر شده است، علاقه مندی دانش‌آموزان به تحصیل کمتر شود. سیستم آموزشی و تصمیم‌گیرندگان جهت جبران کمبود نیروی انسانی به دلیل حجم زیاد بازنشسته‌ها اقدام به استفاده از سربازمعلم (بدون آموزش‌های پیش و پس از خدمت) جهت تدریس در مناطق مرزی می‌کند. عدم تجربه، تسلط و توانایی‌های حرفه‌ای سرباز معلم، باعث می‌شود که تدریس آن‌ها از کیفیت لازم برخوردار نباشد. علاوه بر آنچه که گفته شد بعد مسافت و دوری محل تحصیل از مکان زندگی دانش‌آموزان منجر به عدم انگیزه کافی برای شرکت در کلاس‌های درس می‌باشد.

مشارکت‌کننده شماره (۴) معتقد بودند:

که ریشه تمامی آسیب‌های سیستم آموزشی مناطق مرزی را باید در کمبود امکانات یا به عبارت دقیق‌تر عدم امکانات جستجو کرد. اساساً مناطق مرزی به دلیل دوری از مرکز شهر دارای شرایط نامطلوب در همه ابعاد (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) می‌باشند در واقع به نظر می‌رسد بسیاری از آموزگاران جدید ورود در ابتدای خدمت خود به دلیل عدم تجربه در خصوص خدمت، تدریس و به طور کل سکونت در مناطق مرزی پیشنهاد تدریس در چنین مناطقی را رد نمی‌کنند. اما پس از گذشت چند سال از خدمت خود به علت فرسایش روحی انگیزه‌های لازم در ماندن و خدمت در چنین مناطقی را از دست می‌دهند و همین عدم انگیزه منجر به عدم مدیریت مطلوب کلاس، عدم تدریس کارآمد، عدم حساسیت نسبت به بازده آموزشی دانش‌آموزان، عدم تشویق آنها جهت یادگیری محتواهای آموزشی، عدم توانایی در فعال نگه داشتن دانش‌آموزان و برانگیختگی آنها در طول فرآیند تدریس شده است. لذا در چنین شرایط ما شاهد افت صلاحیت‌ها، توانایی‌ها و کارایی آموزگاران، مدیران، معاونان و به طور کل کادر آموزشی هستیم.

سؤال شماره (۲): عوامل موثر بر کیفیت مدارس مرزی در استان خوزستان کدام‌اند؟

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که عوامل موثر بر کیفیت مدارس مناطق مرزی استان خوزستان شامل کد محوری عوامل زمینه‌ای (فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها) بوده است که در پژوهش حاضر شاخص‌های این عامل شامل: تعصبات طایفه‌ای، عدم ضرورت پرداختن به مسائل آموزشی کودکان، عدم انگیزه و چشم‌اندازهای خاص برای تحصیل کودکان، چند زبانی، زندگی عشایری، پایین بودن سطح سواد یا در مواقعی بی‌سوادی والدین، مهاجرت ساکنین مناطق مرزی به استان‌هایی دیگر، دیدگاه‌های فرهنگی و جنسیتی خاص به دختران، برابردانستن تحصیلات با اتلاف وقت، و اعتقاد به اصل که درس خواندن کودکان را از کسب مهارت‌ها و تجربه‌های محلی باز می‌دارد، عدم مطالبه‌گری والدین، عدم ارتباط والدین دانش‌آموز با مدرسه، عدم تشویق کودکان به امر آموزش، تشویق کودکان به کسب مهارت‌های معیشتی، گماشته کودکان به فعالیت‌های اقتصادی در سن کم، معیشت از طریق قاچاق و کولبری، عدم بومی بودن آموزگاران، عدم وجود آب سالم، عدم وجود فضای مناسب برای مطالعه (کتابخانه- سالن مطالعات)، کمبود امکانات رفاهی، اجتماعی، آموزشی و خدماتی، حقوق پایین آموزگاران.

بخشی از توضیحات خبرگان به شرح ذیل می‌باشد:

مشارکت‌کننده شماره (۵) معتقد بودند:

دوری محل تحصیل از زندگی دانش‌آموزان مسئله بسیار مهمی است که منجر شده است شمار زیادی از دانش‌آموزان نتوانند خود را به محل تحصیل برسانند. در نتیجه بسیاری از دانش‌آموزان به علت همین فاصله‌ها دچار افت تحصیلی و یا مجبور به ترک تحصیل شده‌اند. مشارکت‌کننده شماره (۶) معتقد می‌باشد: از جمله مواردی که می‌توان به مشکلات آموزشی مناطق مرزی دامن زد و موجب شود که کیفیت آموزش در این مناطق کاهش یابد عواملی چون: کشورهای همسایه، چند زبانی، دور بودن از مرکز شهر، زندگی عشایری، پایین بودن سطح سواد والدین می‌باشند.

مشارکت‌کننده شماره (۷) معتقد می‌باشند:

مناطق مرزی به دلیل همسایه بودن با کشورهای دیگر تحت تاثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی آن‌ها قرار گرفته‌اند و به نوعی با کشورهای همسایه تبادل فرهنگی و اجتماعی دارند و همین امر منجر به پیروی نسبی از اعتقادات، نظرات و تفکرات آن سوی مرزی شده است. علاوه بر این به لحاظ شغلی اکثریت قریب به اتفاق ساکنین مناطق مشغول کشاورزی و دامپروری می‌باشند بر همین اساس بعضی از والدین اعتقاد دارند که سپردن کودکان به مدرسه منجر به هدر رفتن وقت کودکان می‌شود اساساً این اعتقاد از آنجا نشأت می‌گیرد که آن‌ها آموزش و پرورش را فرایندی می‌دانند که جنبه اقتصادی ندارد.

مشارکت‌کننده شماره (۸) معتقد بودند: که مهاجرت بسیاری از ساکنین این مناطق به استان‌های دیگر منجر به افت تحصیلی فرزندان مناطق مذکور شده است. مسئله دیگر مسئله بیکاری ساکن مناطق مرزی است. درواقع نرخ بیکاری بالا در این مناطق منجر شده است که دانش‌آموزان به دلیل تامین مایحتاج خود و خانواده در سنین پایین درس را رها کرده و جهت امرار معاش خانواده شاغل شوند.

مشارکت‌کننده شماره (۹) معتقد بودند: دیدگاه‌های خاص فرهنگی مردم مناطق مرزنشین در استان خوزستان نسبت به تحصیل دختران به گونه‌ای است که والدین علاقه و تمایلی به ادامه تحصیل دختران ندارند و ترجیح می‌دهند که دختران در سنین پایین (راهنمایی و دبیرستان) ازدواج کنند. که همین مساله منجر شده است بسیاری از دختران نتوانند فرآیند تحصیل خود را تکمیل و به پایان برسانند. یکی دیگر از مواردی که منجر به کیفیت پایین آموزش در مناطق مرزی شده است عدم همکاری والدین با آموزگاران جهت تمرین مفاهیم آموزشی، رسیدگی و نظارت به تکالیف دانش‌آموزان در خانه می‌باشد که همین معضل برخاسته از بی‌سوادی والدین است.

مشارکت‌کننده شماره (۱۰) معتقد بودند: عواملی چون فقر خانوادگی، بی‌سوادی والدین، تعداد زیاد اعضای خانواده، مشکلات معیشتی و کمبود درآمد خانواده عواملی هستند که باعث باز ماندن کودک مناطق مرزی از تحصیل شده است. بدیهی است که هر چه امکانات فرهنگی بیشتر باشد امکان رشد توانایی‌های هوشی کودکان بیشتر می‌باشد و برعکس. فقر محیط فرهنگی اثرات منفی بر رشد عقلی و شناختی دانش‌آموزان برجای خواهد گذاشت. فقر و محرومیت اقتصادی دانش‌آموزان منجر شده است که انگیزه تحصیل آن‌ها تقلیل یابد. فقر و نداری به اشکال مختلف مانعی است جهت پیشرفت و ادامه تحصیل دانش‌آموزان. مانع دیگری که منجر به استرس، تشویش و عدم آرامش روحی آن‌ها جهت انجام تکالیف و آماده سازی خود برای امتحانات شده است محیط نامناسب، شلوغ و پر رفت آمد خانواده‌ها می‌باشد. از طرفی هم نبود سالن‌های مطالعه در این مناطق منجر شده است که دانش‌آموزان مناطق مرزی دچار فقدان محیط‌های آرام، مناسب و مطلوب برای مطالعه شوند. سؤال شماره (۳): دلایل مداخله‌گر در ایجاد مشکلات برای مدارس مرزی کدام‌اند؟

در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر شامل:

بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، ترس از معلم و مدرسه، نبود آرامش عاطفی و روانی، روش مطالعه غلط، اضطراب شدید کودکان به ویژه در ایام امتحانات، فضای نامناسب تعاملی بین کودک و آموزگار، عدم شناخت کامل از دانش‌آموزان، مختلط بودن کلاس‌ها، عدم تشویق دانش‌آموزان، درگیری با معلم، بی‌محلی آموزگار بودند (عوامل مذکور در زمره کد محوری "عوامل عدالت سازمانی" قرار دارند). مشارکت‌کننده شماره (۱۱) معتقد بودند: یکی از علل افت تحصیلی دانش‌آموزان مناطق مرزی بی‌انگیزگی دانش‌آموزان، ترس از معلم و مدرسه، عدم ارتباط والدین دانش‌آموز با مدرسه، نبود آرامش عاطفی و روانی، روش مطالعه غلط، عدم کارایی معلمان، عدم توانایی معلمان در تفهیم مواد آموزشی به دانش‌آموزان، عدم مهارت معلم در انتقال مفاهیم آموزشی دانش‌آموزان. مشارکت‌کننده شماره (۱۲) معتقد بود:

عواملی که منجر به تقلیل انگیزه برای ادامه تحصیل و نیز افت تحصیلی در دانش‌آموزان مناطق مرزی می‌شوند شامل: نبود مدرسه جهت ادامه و ارتقاء مقاطع تحصیلی در روستا، نداشتن ماشین و سرویس برای تردد به ویژه برای دختران، مزاحمت پسران در حین تردد به مدارس روستاهای اطراف و مختلط بودن کلاس‌ها، بسیاری از دانش‌آموزان روستاهای مناطق مرزی برای ادامه تحصیل در مقطع متوسط اول با به مدرسه‌ای خارج از روستا بروند که طبیعتاً همین موضوع عامل نگرانی، اضطراب و ناامیدی شده است. مشارکت‌کننده شماره (۱۳) معتقد بودند که:

فاصله زیاد بین مدارس و روستاهای محل زندگی دانش‌آموزان را می‌توان جزء یکی از فاکتورهای بازدارنده انگیزشی بسیار قوی دانست. نبود وسایل ایاب و ذهاب و طی کردن پای پیاده و مسائل حاشیه‌ای مانعی و علتی برای عدم ادامه تحصیل و افت تحصیلی است. به عنوان نمونه فقدان مدرسه راهنمایی در روستا مانعی جهت ادامه تحصیل و عاملی برای ایجاد ناامیدی در تحصیل است. این مسئله هم برای دختران و هم برای پسران سخت و طاقت‌فرسا بوده است؛ اما عدم وجود سرویس ایاب و ذهاب در غالب موارد مانعی اساسی بوده است. بسیاری از ساکنین بزرگسال مناطق مرزی در لابه‌لای صحبت‌هایش اشاره کرده‌اند که بنده تا کلاس ۵ خوانده و قبول شده ام و برای رفتن به کلاس‌های بالاتر باید به روستای اطراف می‌رفتم. چند ماهی رفتم ولی دیگه به دلیل نبود سرویس و مسافت زیاد خسته شدم.

سوال شماره (۴): شاخص‌های سنجش اثر بخشی مدارس مرزی استان خوزستان کدام‌اند؟

بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عملیاتی سازی موارد ذیل می‌تواند منجر به اثر بخشی و توسعه کیفیت در مدارس مناطق مرزی استان خوزستان شود:

ایجاد مدارس شبانه روزی دولتی، راهاندازی و تشکیل کلاس‌های اختلالات یادگیری زیر نظر متخصصان مجرب، اعزام مدیران برتر، زبده و موفق کشوری جهت ایجاد مدیریت کارآمد، افزایش و توسعه حرفه‌های درآمدزا از طریق گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، قائل شدن سهمیه ویژه در کنکور و استخدامی برای دانش‌آموزان مناطق محروم، قائل شدن امتیازات ویژه برای آموزگاران مناطق مرزی از جمله اعطای منزل، بیمه‌های خاص، مسافرت‌های خانوادگی و اعطای تسهیلات بدون بازپرداخت جهت ایجاد انگیزه برای معلمان، استعدادیابی دانش‌آموزان به لحاظ هنری- ورزشی و...، توسعه نگرش سرمایه‌ای نسبت به جوانان ساکن مناطق مرزی، جلب نظر خیرین مدرسه ساز جهت ساخت مدارس در مناطق مرزی و البته کاهش بروکراسی‌های اداری برای آن‌ها جهت تسهیل فرآیندهای اداری، جلب مشارکت بخش‌های غیر دولتی

و خصوصی جهت برون سپاری آموزش مناطق مرزی به آن‌ها البته با اعطا امتیازات ویژه (هم‌چون معافیت و حذف مالیات در ازای ساخت و نوسازی مدارس)، کارآمد کردن نظام حمایت مالی مناطق مرزی، حمایت‌های ویژه از طرح‌های محرومیت زدایی آموزشی و فرهنگی، تدوین برنامه درسی مناسب با رویکردهای خاص مناطق مرزی، تأکید بر توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اشاعه آن‌ها با هدف و آرمان ایجاد قطب صنایع دستی در این مناطق و هم‌چنین اعطای تسهیلات بدون باز پرداخت یا با درصد سود بسیار کم برای صنعتگران مبتدی.

بخشی از توضیحات خبرگان به شرح ذیل می‌باشد:

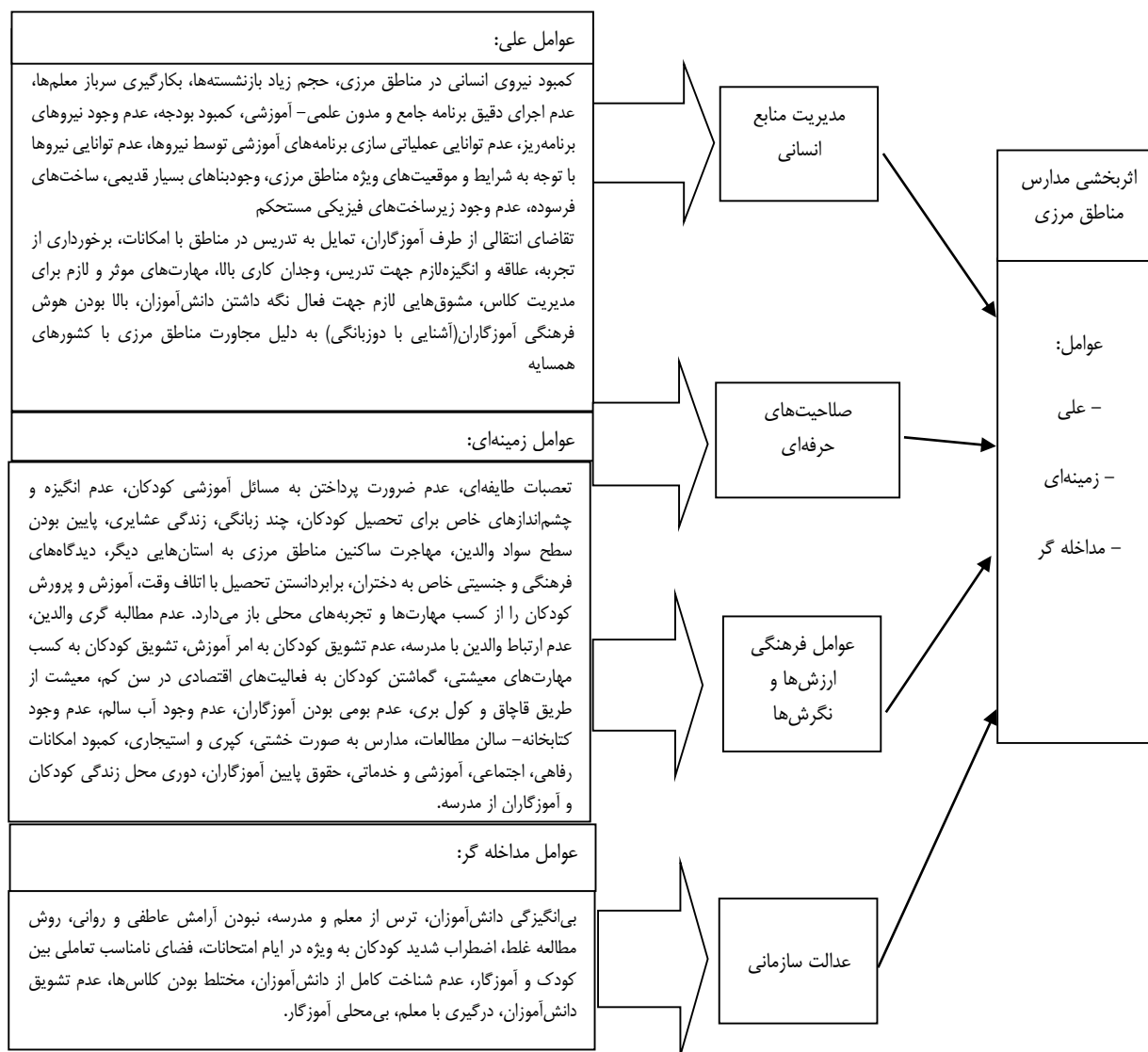
مشارکت‌کننده شماره (۱۴) معتقد می‌باشند یکی از راه‌کارهای اثر بخش کردن آموزش مناطق مرزی ایجاد مدارس شبانه روزی دولتی است که احتمالاً این راه کار منجر به ارتقاء کیفیت و خروج نسبی از عدم اثربخش بودن آموزش این مناطق می‌باشد. البته این مشارکت‌کننده تأکید می‌کند که در خصوص ایجاد و مدیریت شبانه روزی‌های مذکور باید مواردی را مدنظر داشت که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

تجهیز مدارس در حد استاندارد، تغذیه رایگان در مدارس شبانه روزی، کمک هزینه تحصیلی به محصلین موفق، تهیه لباس فرم برای دانش‌آموزان با هزینه دولتی، برقراری کلاس‌های رایگان فوق برنامه، ارائه کتاب‌های رایگان درسی و کمک درسی، به کارگیری معلمان بومی و با تجربه (با پرداخت حق ماموریت و ایاب و ذهاب)، تشویق دانش‌آموزان برتر در میان مردم محلی، برگزاری اردوها و گردش‌های علمی، معرفی مشاغل و تحصیلات تخصصی و فنی برای هرکدام از مشاغل به منظور ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان.

مشارکت‌کننده شماره (۱۵) اعتقاد دارند که مواردی همچون استعدادیابی دانش‌آموزان به لحاظ هنری- ورزشی و نیز دعوت از بازیگران، ورزشکاران و افراد مشهور در این زمینه می‌تواند نگرش به تحصیل در جوانان این مناطق را تغییر دهد. علاوه بر این جلب نظر خیرین مدرسه ساز، سهامداران و افرادی که فعالیت‌های تولیدی گسترده دارند، جهت تأسیس یا باز سازی مدارس راه کار مناسبی جهت ارتقاء اثربخشی آموزش مناطق مرزی می‌باشد البته لازم به ذکر است که دولت باید در قبال چنین همکاری-هایی با کاهش تکلفات اداری و اعطای امتیازات ویژه هم‌چون وام، معافیت‌های مالیاتی و... در تسریع این امور تلاش نماید. بر اساس یافته‌های فوق می‌توان مدل پارادایمی زیر را برای پژوهش حاضر ترسیم نمود.

مدل نهایی تحقیق:

بر اساس یافته‌های فوق می‌توان مدل پارادایمی زیر را برای پژوهش حاضر ترسیم نمود.



شکل ۱- مدل نهایی تحقیق

یافته‌ها

به‌منظور آزمون مدل پارادایمی در پژوهش حاضر از تحلیل مسیر برای فرضیه‌های برگرفته از این مدل استفاده شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

فرضیه (۱): مدیریت منابع انسانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

جدول ۱- ضرایب مسیر و آماره‌ی t (تأثیر مدیریت منابع انسانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان)

اثر سازه	به سازه (تأثیر مستقیم)	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معنی داری
مدیریت منابع انسانی	برون داد	۰/۲۴۱	۴/۴۴۲	۰/۰۰۰

فرضیه اول پژوهش تأثیر مدیریت منابع انسانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان را آزمون می‌کند. طبق آماره t که در خارج از بازه زمانی ۱/۹۶- و ۱/۹۶ می‌باشد (مقدار t ، ۴/۴۴۲)، مدیریت منابع انسانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معنی‌داری دارد. مقدار به دست آمده ۰/۲۴۱ می‌باشد.

فرضیه (۲): صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.
جدول ۲- ضرایب مسیر و آماره t (تأثیر صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان)

اثر سازه	به سازه (تأثیر مستقیم)	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معنی داری
صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران	برون داد	۰/۲۹۹	۵/۹۲۴	۰/۰۰۰

فرضیه دوم پژوهش تأثیر صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان را آزمون می‌کند. طبق آماره t که در خارج از بازه زمانی ۱/۹۶- و ۱/۹۶ می‌باشد (مقدار t ، ۵/۹۲۴)، صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معنی‌داری دارد. مقدار به دست آمده ۰/۲۹۹ می‌باشد.
فرضیه (۳): شرایط زمینه‌ای (عوامل فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها) بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

جدول ۳- ضرایب مسیر و آماره t (تأثیر شرایط زمینه‌ای بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان)

اثر سازه	به سازه (تأثیر مستقیم)	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معنی داری
شرایط زمینه‌ای	برون داد	۰/۱۷۱	۲/۹۶۶	۰/۰۰۰

فرضیه سوم پژوهش تأثیر شرایط زمینه‌ای بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان را آزمون می‌کند. طبق آماره t که در خارج از بازه زمانی ۱/۹۶- و ۱/۹۶ می‌باشد (مقدار t ، ۲/۹۶۶)، شرایط زمینه‌ای بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معنی‌داری دارد. مقدار به دست آمده ۰/۱۷۱ می‌باشد.

فرضیه (۴): عدالت سازمانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

جدول ۴- ضرایب مسیر و آماره t (تأثیر عدالت سازمانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان)

اثر سازه	به سازه (تأثیر مستقیم)	ضریب مسیر	مقدار t	سطح معنی داری
عدالت سازمانی	برون داد	۰/۱۱۰	۲/۱۰۲	۰/۰۰۰

فرضیه چهارم پژوهش تأثیر عدالت سازمانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان را آزمون می‌کند. طبق آماره t که در خارج از بازه زمانی ۱/۹۶- و ۱/۹۶ می‌باشد (مقدار t ، ۲/۱۰۲)، عدالت سازمانی بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معنی‌داری دارد. مقدار به دست آمده ۰/۱۱۰ می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

شواهد حاکی از آن است که شهرهای مرزی به همراه روستاهایشان مملو از مشکلات اقتصادی، بازدارنده‌های فکری و فرهنگی است. یکی از مشکلاتی که در شهرهای مرزی نسبت به مرکز شهرها بسیار زیاد به چشم می‌خورد، افت تحصیلی دانش‌آموزان است. هرچند افت تحصیلی در تمامی مقاطع رخ می‌دهد؛ اما وجود آن در اولین مقطع تحصیلی فرد موضوعی چالش‌آور، بغرنج و آسیب‌زا است بدین خاطر، هدف محوری پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مدارس و سیستم آموزشی مناطق مرزی استان خوزستان بوده است که در این راستا سعی شده در چارچوب مدل پارادایمی بهتر به تفهیم آن پرداخته شود. پیش از هر توضیحی لازم است یادآور شود آسیب‌های وارده و بروز مشکلات مختلف بر یک سیستم تک علتی نمی‌باشد و عوامل مختلفی منجر به بروز آن‌ها می‌شود. بر این اساس، در مطالعه حاضر پژوهشگر کوشش کرده تا به بررسی پیرامون شاخص‌های سنجش اثر بخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان بپردازد تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که شاخص‌های سنجش اثر بخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان شامل کدهای محوری ۱- شرایط علی (مدیریت منابع انسانی، صلاحیت‌های حرفه‌ای) ۲- شرایط زمینه‌ای (فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها) و ۳- عوامل مداخله‌گر (عدالت سازمانی) می‌باشد. دسته‌بندی محتوای مصاحبه‌ها پیرامون هریک از کدهای محوری نیز مشخص کرد که هر کدام از کدهای محوری مذکور دارای چه شاخص‌هایی می‌باشد. نهایتاً کدهای محوری یا عوامل موثر بر اثر بخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان در قالب یک مدل مفهومی پارادایمی ترسیم شده است. علاوه بر این به منظور آزمون مدل پارادایمی در پژوهش حاضر از تحلیل مسیر برای فرضیه‌های برگرفته از این مدل استفاده شد که نتایج این تحلیل در فرضیه اول؛ طبق مقدار t ی در کد محوری مدیریت منابع انسانی (۴/۴۴۲)، در فرضیه دوم؛ مقدار t ی در کد صلاحیت‌های حرفه‌ای آموزگاران (۵/۹۲۴)، در فرضیه سوم؛ مقدار t ی در کد محوری شرایط زمینه‌ای (۲/۹۶۶) و در فرضیه چهارم؛ مقدار t ی در کد محوری عدالت سازمانی (۲/۱۰۲) نشان داد که کدهای مذکور با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معنی‌داری بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان دارند.

به‌طورکل، با توجه به نتایج به دست آمده در این مطالعه؛ ریشه آسیب‌های مدارس مناطق مرزی را در این محیط نه در یک علت واحد و منحصر به فرد، بلکه در تعامل و برهم کنش آنان در کنار هم باید جستجو کرد برای درک اثر بخشی آموزش مدارس مناطق مرزی و مسئله ترک و یا افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌توان گفت که آموزگاران، دانش آموز و تعاملات آن با خانواده به عنوان رأس‌های مثلثی هستند که لازم و ملزوم یکدیگرند. دانش‌آموزان سرمایه‌هایی دارند که خود ترکیبی است از؛ فرهنگ خانواده، سطح اجتماعی- اقتصادی و انگیزشی آن‌ها است که همین سرمایه دانش‌آموزان تأثیر بسزایی در موفقیت‌های تحصیلی و اخذ بهترین رتبه در دانشگاه‌های برتر و در نهایت اشغال پست‌های کلیدی را برای آنان دارد؛ اما در پژوهش حاضر طبق یافته‌ها و اظهارات عوامل آموزشی به نظر می‌آید که سرمایه دانشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و انگیزشی دانش‌آموزان در مناطق مرزی ناچیز می‌باشد.

علاوه بر این حضور والدین بی‌سواد یا کم سواد منجر شده است که آن‌ها درک درستی از اهمیت و ضرورت تحصیل نداشته باشند. همین امر می‌تواند پیامدهای نامطلوبی در خصوص تحصیل آن‌ها به وجود آورد. علاوه بر این از آسیب‌های مشهود چنین نگرشی موافقت با ترک تحصیل دانش‌آموزان به ویژه دختران می‌باشد. هم‌چنین محیط یادگیری، تعامل در کلاس درس و زبان مورد استفاده در کلاس (اشاره به دو زبانی) و به طور کلی نحوه تدریس از سوی معلم عامل قابل توجهی در اثربخشی آموزشی است. محیط مدارس مناطق مرزی و محروم به شدت درگیر عدم امکانات آموزشی، فضای نامناسب تعاملی بین کودک و آموزگار و عدم مهارت معلم در انتقال مفاهیم آموزشی می‌باشد. خلاصه اینکه، مطابق باورهای پارادایم تفسیری محیط یادگیری و زبان تعامل معلم نقش مهمی در جذب و یا طرد دانش آموز دارند. زیرا نحوی تعامل وی و زبان مورد استفاده در کلاس، با توجه به حساسیت دانش‌آموزان می‌تواند به عنوان سازوکاری آرام بخش عمل کند؛ بنابراین اگر معلم در این محیط‌های محروم و مرزی نتواند تعامل مناسبی با دانش‌آموزان ایجاد کند، مکان درس و مدرسه برای دانش‌آموز استرس‌زا می‌شود. اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که آموزگاری می‌تواند منبع آرامش و حس مثبت باشد که نیازها روانی و مالی او محترمانه تامین و تدبیر شده باشد و این در حالی است که آموزگاران مناطق مرزی به دلیل مشکلات سازمانی، کمبود امکانات، حقوق پایین و محل و هزینه‌های اسکان و... متقاضی انتقالی به مراکز برخوردار هستند. علاوه بر این و همان‌طور که به تفصیل اشاره شد سیستم آموزشی مناطق مرزی استان خوزستان به لحاظ عوامل علی (مدیریت منابع انسانی، صلاحیت‌های حرفه‌ای)، شرایط زمینه‌ای (فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها) و عوامل مداخله گر (عدالت سازمانی) دچار آسیب دیدگی‌های فراوان و جدی می‌باشد. لذا؛ با مشخص شدن عوامل مؤثر بر اثربخشی مدارس مناطق مرزی استان خوزستان، الزام آور است که سیستم آموزش و پرورش استان مذکور نسبت به این آسیب‌ها اقدامات لازم را از طریق عملیاتی کردن راهبردهای کار آمد، آغاز کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم‌های رضایت نامه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی‌ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تأمین شد.

مشارکت نویسندگان

طراحی و ایده پردازی: هوشنگ پورتوسلی، غلامحسین برکت، فرانک امیدیان؛ روش شناسی و تحلیل داده‌ها: غلامحسین برکت؛ نظارت و نگارش نهایی: غلامحسین برکت، فرانک امیدیان.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Agrawal, T. (2014). Educational inequality in rural and urban India. *International Journal of Educational Development*. 34(5), 11-19.
- Ajjawi, Rola. Dracup, Mary. Zacharias. Nadine, Bennett. Sue & David, Boud. (2020). Persisting students' explanations of and emotional responses to academic failure, *Higher Education Research & Development*, 39:2, 185-199, DOI: 10.1080/07294360.2.

- Andalib ar. Motavvaf SH. (2005). Regional planning in border zones: the case of nehbandan. *Soffeh*. 12(35): 41-55. [In Persian]
- Asare, N., & A, Siaw. (2015). Rural–Urban Disparity in Students’ Academic Performance in Visual Arts Education: Evidence from Six Senior High Schools in Kumasi, Ghana *SAGE Open* October-December 2015: 1–14.
- Bar Haim, E., Shavit, Y. (2013). Expansion and inequality of educational opportunity: A comparative study. *Research in Social Stratification and Mobility*, 31, 22-31.
- Bauer, J, Brooks, C., Hampton, K. (2020). Poor Internet connection leaves rural students behind. Michigan State University 426 Auditorium Road East Lansing, MI 48824 Issues & Statements March 2, 2020.
- Cheng C.H, Wang, Y. C and Liu W. X. (2019). Exploring the Related Factors in Students’ Academic Achievement for the Sustainable Education of Rural Areas. *Sustainability* 2019, 11(21), 5974; <https://doi.org/10.3390/su11215974>
- Darban Astanaeh, A. Tahmasbi, S. Rezaei, P. (2016). Analysis of the pattern of inequality in the educational space of the country's cities. *Journal of Educational Planning Studies*, 5(9), 31-50. [In Persian]
- Diba Vajari, T., Khamis Abadi, M., Dehghan Dar, M. (2022). Pathology of gifted schools according to the (psychological, social, and functional) components according to experts and schoolteachers of Alborz province. *Bimonthly scientific-research journal of a new approach in educational management*, 13(2), 166-179. doi: 10.30495/jedu.2022.27482.5493 [In Persian]
- Guenther, J., Benveniste, T., Redman-MacLaren, M., Mander, D., McCalman, J., O’Bryan, M., Osborne, S., & Stewart, R. (2020). Thinking with theory as a policy evaluation tool: The case of boarding schools for remote First Nations students. *Evaluation Journal of Australasia* 2020, Vol. 20(1) 34–52.
- Guzmán, A., Barragán, S., Vitery, V. (2021). Dropout in Rural Higher Education: A Systematic Review, *SYSTEMATIC REVIEW* published: 08 September 2021 doi: 10.3389/feduc.2021.727833.
- Hampton, K. N., Fernandez, L., Robertson, C. T., & Bauer, J. M. (2020). Broadband and Student Performance Gaps. James H. and Mary B. Quello Center, Michigan State University.
- Hannum, E. (2002). Educational, Expansion and Demographic, Harvard. Institute for International Development, www.census.org/ipc.
- Heidarzadegan, A., & Sandooghbaran, M. (2017). Educational opportunities for nomad’s students in Sistan and Baluchestan: Equal or Unequal. *Journal of Educational Planning Studies*, 6(11), 159-175. doi: 10.22080/eps.2017.1725. [In Persian]
- Jalilian, A. (2014). Border Disputes of Iran and Iraq in the First Pahlavi Period and It's Effect on Khuzestan People Life. *Research in History*, 4(4), 81-99. [In Persian]
- King, E. (1986). Change in the status of women across generations in Asia. Santa Monica, Calif.: Rand Corporation.
- Maroufi, Y. (2001). Examining the equality of educational opportunities in secondary education in the cities and educational regions of Kordestan province in the academic years (1371-72 to 1377-78). Qom: Tebian Cultural and Information Institute. [In Persian]
- OECD. (2012), Equity and Quality in Education: Supporting Disadvantaged Students and Schools, OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264130852-en>.
- Opheim, V. (2004). Equity in education thematic review, CNIFU, country analytical report, Norway.
- Rajan, S. (2019) Academic Problems Encountered by Rural Students. *Academic Problems Encountered by Rural Students.” Shanlax International Journal of Education*, vol. 7, no. 2, 2019, pp. 15-19.
- Rasouli Ghezelbash, Y. (2022). Pathology of education performance in border regions in the field of justice, the second international conference on law, psychology, educational and behavioral sciences. Tehran. [In Persian]
- Rasul Nia, Kh. (2010). Investigating the causes of low educational coverage of students in different academic courses in West Azerbaijan province. The report of the research project of the education organization of West Azarbaijan province. [In Persian]
- Salamon, R. (2020). A 10-Year Prospective Study of Socio-Professional and Psychological Outcomes in Students from High-Risk Schools Experiencing Academic Difficulty. *ORIGINAL RESEARCH* published: 14 July 2020 doi: 10.3389/fpsyg.2020.01742.

- Sharepour, M. (2005). Sociology of Education. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
- Shekahi, H. (2012). Knowledge and philosophy of geography. Tehran: Payam Noor University Publications. [In Persian]
- Shirkarmi, J. Bakhtiarpour S. (2015). Evaluating educational inequalities in attaining educational opportunities: a case study of dehloran's elementary schools in the academic year 2011-2012. Journal of Instruction and Evaluation. 7 (26): 41-58. [In Persian]
- Sorkh E. (2008). Educational inequalities along the ethnic and regional dimensions: The case of the elementary schools in western aazarbaayegan province. Journal of education. 23(3): 103-124. [In Persian]
- Todaro, MP. (2000). Economic development in the third world. Tehran: Publications of the Program and Budget Organization. [In Persian]
- UNICEF. (2014). All children in School by 2015: Global initiative on out-of-school children. UNICEF Regional Office for South Asia, Kathmandu, Nepal.
- Vakili Qasrian, L. (2012). Challenges of teaching in rural areas. Master's thesis. Educational management group. The University of Kordestan. [In Persian]
- Yashar, Z. Pashalu A. (2015). Investigating the use of Border market in West Azerbaijan. National conference on border settlement, sustainable development and investment opportunities, Parsabad, Moghan. [In Persian]